

تبعات سیاسی و امنیتی نظریه مسؤلیت حمایت در کشور سوریه

علی غلامعلی پور*

علی ایلخانی پور**

چکیده

مخاصمات مسلحانه در سوریه منجر به کشته شدن ده‌ها هزار و آوارگی میلیون‌ها سوری شده است. تلاش دولت سوریه و جامعه بین‌المللی برای بازگرداندن امنیت غیرنظامیان مانع جنایت علیه بشریت و اقدام غیرانسانی گروه‌های مسلح نشده است. بر اساس نظریه مسؤلیت حمایت، اگر دولت در برخورد با جنایات غیرانسانی جمعی، ناکارآمد شود یا خود دولت محرک جنایات غیرانسانی جمعی باشد، وظیفه حمایت از مردم برعهده جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد.

ایده «مسئولیت حمایت» در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران توسط مجمع عمومی به‌طور رسمی پذیرفته شد. این نظریه با توجه به تجارب موفق و ناموفق مداخلات بشردوستانه در دهه ۱۹۹۰ در صورت بدون نتیجه ماندن اقدامات صلح‌آمیز شورای امنیت در مواجهه با وضعیت‌های نقض فاحش، گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت یا تجاوز، اقدام نظامی یا اقدام کم‌شدت نظامی مانند ایجاد منطقه پرواز ممنوع یا مناطق امن را با هدف محافظت از مردم غیرنظامی در قالب رکن سوم نظریه مسؤلیت حمایت و بدون مجوز شورای امنیت مجاز می‌داند. از آنجا که سو استفاده قدرت‌های جهانی از نظریه می‌تواند مبنای مداخله نظامی و تغییر رژیم در کشورهای ضعیف را فراهم کند این مقاله تبعات سیاسی و امنیتی کاربردی نظریه مسؤلیت حمایت را برای سوریه از طریق روش کیفی داده بنیاد (Grounded theory) بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مداخله بشردوستانه، توسل به زور، مسؤلیت حمایت، بحران سوریه، شورای امنیت

*عضو هیئت علمی حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور ایران، تهران (نویسنده مسؤل)

aligholamalipour@gmail.com

**عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات، گروه علوم سیاسی

Ali2148@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲

۱. مقدمه

بحران سوریه از مارس سال ۲۰۱۱ و در پی تظاهرات‌های محدود و پراکنده مردمی که تحت تاثیر بهار عربی و تبلیغات رسانه‌های پرنفوذی مانند الجزیره بود آغاز شد، نداشتن نیروی پلیس حرفه‌ای، دخالت ارتش و نیروهای امنیتی برای مهار بحران و شدت عمل نشان دادن این نیروها که از آموزشهای لازم برای کنترل شورش برخوردار نبودند به تدریج منجر به کشته شدن افراد غیر نظامی و گسترش بحران به کل خاک سوریه شد.

در پی گسترش خشونت‌ها، گزارش‌هایی در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ توسط نهادهای بین‌المللی منتشر شدند که تاکید میکردند نیروهای دولتی و شبه نظامیان مرتکب نقض فاحش حقوق بشر به طور گسترده و سیستماتیک شده‌اند و ابعاد این خشونت‌ها به سطح جنایت علیه بشریت افزایش پیدا کرده است و با آگاهی و رضایت بالاترین مقامات دولتی بوده است، گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل توسط کمیسر عالی سازمان ملل در حقوق بشر در ۲۲ فوریه سال ۲۰۱۲، گزارش عفو بین‌الملل در اوت ۲۰۱۲، و گزارش‌های کمیسیون حقیقت‌یاب در نوامبر سال ۲۰۱۱ (کمیسیون توسط کمیسر عالی سازمان در حقوق بشر ایجاد شد) متضمن چنین ادعاهایی بودند. قطعنامه ۲۱۳۹ شورای امنیت (۲۰۱۴) نیز به اتفاق آراء خواهان فراهم کردن امکان دسترسی بیشتر جامعه بین‌المللی برای ارایه کمک‌های انسانی به سوریه از سوی طرفهای درگیر از جمله دولت سوریه بود.

بحران سوریه و زمزمه امکان مداخله بشردوستانه در این کشور مورد توجه متخصصان در رشته‌های مختلف حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل و حقوق بشر قرار گرفته است. این در حالی است که مفهوم مداخله قبل و بعد از منشور ملل متحد دچار تحولات چشمگیری شده است. این مقاله به آخرین تحولات مبحث مداخله بشر-دوستانه در قالب نظریه مسوولیت حمایت می‌پردازد و قانونی بودن مداخله نظامی در سوریه را توسط ائتلافی از نیروهای غربی یا ایالات متحده مورد بررسی قرار داده و تبعات سیاسی و امنیتی آن را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

مقاله همچنین به بررسی (برخی حقوقدانان بر این باورند که هیچ تعریف رسمی قانونی از مداخله بشردوستانه وجود ندارد)، مبانی نظری مداخله بشر دوستانه و مسوولیت حمایت در معاهدات بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی، قطعنامه‌های شورای

امنیت، اظهارات دبیر کل سازمان ملل، معیارهای بین‌المللی میپردازد و ابعاد حقوقی، اخلاقی و عملی نظریه را با تاکید بر مسئله سوریه مورد بررسی قرار میدهد. ارتقای حقوق بشر یکی از اهداف اصلی سازمان ملل متحد می باشد که منشور سازمان ملل متحد برای حفظ آن، استفاده از نیروی مسلحانه را ممنوع اعلام کرده است (Joyner, 2007: 702-3). از این حیث منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی در روابط بین‌المللی توسل به زور را ممنوع اعلام کرده‌اند.

اگر چه منشور سازمان ملل به شورای امنیت این اختیار را داده است که در برخورد با تهدید یا نقض صلح مجوز توسل به زور را صادر کند، ولی در کنار آن ابزار وتو را قرار داده است که ممکن است این اختیار شورای امنیت را ناکارآمد سازد. در عین حال برخی از جرایم خاص مانند نسل‌کشی، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت وجود دارند که در حقوق بین‌الملل به شدت محکوم شده‌اند تا حدی که ممنوعیت آنها مبنای نظم بین‌المللی قرار گرفته است. مطالعه‌ی تاریخ نشان می‌دهد که گاهی اوقات دولت‌ها بدون مجوز شورای امنیت به منظور جلوگیری از این جرایم متوسل به زور شده‌اند. به همین دلیل است که جامعه‌ی بین‌الملل تلاش کرده است به این سوال پاسخ دهد که چه زمانی توسل به زور برای متوقف ساختن دولت حاکم از وقوع این دسته از جرایم قانونی و مشروع است (Greenw, 2002: 141)، در حالی که شورای امنیت مجوزی برای آن صادر نکرده است.

برخی معتقدند که حق دخالت بشر دوستانه به طور قانونی دخالت نظامی را ولو بدون اجازه صریح شورای امنیت توجیه می‌کند. لیکن منتقدان این نظریه استدلال می‌کنند دخالت بشر دوستانه بدون مجوز صریح شورای امنیت نقض آشکار استقلال کشور است که ممنوعیت منشور سازمان ملل را در استفاده از زور نقض کرده است (Brownlie, 1974: 217-28). کمیسیون مستقل تحت سرپرستی کانادا و کمیسیون بین‌المللی دخالت و حاکمیت کشور با انتشار گزارشی درباره حق دخالت بشر دوستانه در سال ۲۰۰۱ واکنش نشان داد. این کمیسیون‌ها قایل به این نظریه بودند که حفظ جان مردم در اولویت بالاتر از حفظ استقلال حکومتی است که از محافظت مردم خود ناتوان است (Report of ICISS). این رویکرد، به عنوان اولین گام در تدوین دکترین مسئولیت حمایت مورد شناسایی قرار گرفت.

ظهور «دکترین مسئولیت حمایت» به جامعه بین‌الملل حق قانونی استفاده از زور را برای متوقف ساختن این دسته از جرایم خشونت‌آمیز اعطاء کرده است. از این حیث

این حق زمانی ایجاد می شود که جرایم خشونت آمیز در حال وقوع وجود داشته باشند و ابزارهای مسالمت آمیز برای متوقف ساختن این جرایم ناکارآمد باقی مانده باشد. در چنین شرایطی شورای امنیت می تواند براساس اختیارات ناشی از فصل ۷ منشور مجوز توسل به زور را صادر نماید، مشروط به اینکه کشورهای مشارکت کننده در مداخله بشر دوستانه همکاری کاملی را در حمایت از اقدامات اعاده وضعیت سابق، بازسازی و ایجاد آشتی ارایه کنند. اگر شورای امنیت به لحاظ اعمال حق وتوی یکی از اعضا نتواند در صدور مجوز توسل به زور موفق عمل کند، دکتترین مسؤلیت حمایت چارچوبی را در اختیار جامعه بین الملل قرار می دهد که بتواند بدون مجوز شورای امنیت دست به مداخله قانونی بزند. براساس شواهد موجود به نظر می رسد که دولت سوریه از محافظت از اتباع خود ناتوان است. اگر چه جامعه بین المللی تلاش کرده است که از ابزارهای مسالمت آمیز نظیر تحریم و روش های دیپلماتیک برای متوقف ساختن حملات دولت سوریه استفاده کند، ولی شورای حقوق بشر تاکید می کند که جامعه بین الملل در این امر تاکنون ناموفق بوده است (U.N. Doc. A/HCR/21/50, Aug,2012).

شورای امنیت نیز برای صدور مجوز مداخله نظامی براساس اختیارات حاصل از فصل ۷ منشور سازمان ملل بخاطر مخالفت های روسیه و چین که ۳ قطعنامه را وتو کرده اند موفق نبوده است. از این رو جامعه بین المللی سعی کرده است از طریق تلاش های همکاری منطقه ای به دولت سوریه فشار وارد سازد که حملات خود را بر غیر نظامیان متوقف کند. جامعه بین المللی تا کنون تلاش کرده است تا بحران سوریه را از طریق گزینه های دیپلماتیک و اعمال تحریم پایان دهد، ولی در این امر موفق نبوده است. اگر چه شورای حقوق بشر سازمان ملل به این نتیجه رسیده است که بحران انسانی در سوریه در سوریه ناشی از «سیاست های دولت» در هدایت حملات عمدی بر علیه غیر نظامیان صورت می گیرد اما امکان مداخله نظامی با مجوز شورای امنیت تا کنون با شکست مواجه شده است. چرا که روسیه و چین مخالف هرگونه اقدامات قهری علیه سوریه می باشند. روسیه اعلام کرده است که جامعه بین المللی باید به اصول و هنجارهای قوانین بین المللی پای بند باشد.

چندین سال است که بحران سوریه در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفته است. این وضعیت با حمله ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در دمشق که در آن از سلاح های شیمیایی علیه غیر نظامیان استفاده شد، سمت و سوی جدیدی به خود گرفت. یافته های

کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد استفاده از سلاح های شیمیایی را اثبات و قطعنامه ی ۲۱۱۸ (۲۰۱۳) شورای امنیت سازمان ملل آن را محکوم کرده است. این رویداد تا حدی توجه جامعه بین المللی را به خود جلب کرده است که مباحث مهمی را در رابطه با امکان مداخله بشر دوستانه در وضعیت سوریه باعث شده است 27 , UNSC, R 2218 (September 2013).

لیکن با این وجود جامعه بین المللی در مواجهه با جنایات غیر انسانی جمعی، ابتدا می بایست از گزینه های صلح آمیز استفاده کند (Report of ICISS) زیرا که گزینه قوه قاهره مربوط به شرایط حاد و غیر قابل تحمل است. اما در جایی که تلاش ها برای حل و فصل بحران از طریق راه کارهای صلح جویانه به سرانجامی موفقیت آمیز نایل نشود، جامعه بین الملل حق دارد که از گزینه نظامی تحت اختیار خود در ذیل عنوان مسئولیت حمایت استفاده کند. در واقع «مسئولیت بین المللی حمایت» تحمیل دو تعهد است یکی تعهد دولت بطور انفرادی و دیگر تعهد جامعه جهانی به طور دسته جمعی. دکترین مذکور بر سه اصل شفاف به شرح زیر استوار است:

۱. مسئولیت جلوگیری: در مرحله اول شامل جلوگیری و توقف اقداماتی است که منجر به نقض حقوق بشر در یک کشور می گردد و در مرحله بعدی شامل ریشه یابی و یافتن عوامل موثر در درگیری و بحران استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی برای محدود کردن منازعات داخلی می شد.

۲. مسئولیت واکنش: به منزله هسته اصلی مسئولیت حمایت بوده و پاسخ به موقعیتی است که نقض گسترده حقوق بشر رخ می دهد و دولت قادر و یا مایل به حفاظت از شهروندان در رنج نیست. لذا اقدامات دیپلماتیک، تحریم اقتصادی، محدودیت های مالی و اقدامات نظامی توسط جامعه جهانی بکار گرفته می شود.

۳. مسئولیت بازسازی: پس از اتمام درگیری و بویژه بعد از مداخله نظامی صورت می گیرد و هدف از اجرای آن حمایت از توسعه پایدار و بازسازی صدماتی است که بحران و یا مداخله بوجود آورده است.

اقدام به حمله نظامی فقط مشروط به موارد شدید بحران و فاجعه انسانی در مقیاس بزرگ است. در مورد هدف مداخله نظامی نیز کمیسیون اشاره دارد که قبل از هر اقدامی بایستی «معیارهای معقول» برای اقدام نظامی وجود داشته باشد و توجه به چهار اصل زیر را به عنوان استاندارد برای جلوگیری از هر نوع سوء استفاده و به عنوان راهنمای مداخله نظامی الزامی می داند:

۱. قصد حق به این مفهوم که مداخله نظامی صرفاً بایستی به قصد برقراری صلح و عدالت صورت گیرد.
۲. مداخله نظامی بایستی آخرین گزینه و علاج باشد و گزینه‌های غیر نظامی ناتوان از حل بحران باشند.
۳. مداخله نظامی باید متناسب باشد یعنی کارآیی و اثر و شانس موفقیت داشته باشد.
۴. به قصد پایان دادن به رنج و فاجعه انسانی صورت گیرد در واقع قصد کمیسیون از بیان این اصول، جلوگیری از هر گونه دستاویز و سوء استفاده دولتهای قدرتمند و بازیگران فعال سیاسی از «حق مداخله بشر دوستانه» است. از نظر کمیته مداخله نظامی بایستی با مجوز شورای امنیت و در چارچوب منشور انجام پذیرد. اگر چنانچه شورای امنیت عاجز از تصمیم‌گیری باشد مجمع عمومی با استناد به قطعنامه «اتحاد برای صلح» می‌تواند برای حل و فصل معضل انسانی مجوز اقدامی نظامی را صادر کند. سازمانهای منطقه‌ای نیز فقط با مجوز شورای امنیت می‌توانند مبادرت به اقدام نظامی نمایند (صادقی، ۱۳۹۲: ۲-۵).

۲-۱. روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق نظریه پردازی داده‌بنیاد (grounded theory) بهره گرفته شده است. برخی پژوهشگران کیفی کار و منتقد اثبات‌گرایی این روش تحقیق اسقرایی را به‌عنوان بدیلی برای روش فرضیه‌ای-قیاسی مطرح کردند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲) رویکرد نظریه داده‌بنیاد مجموعه‌ای از فرایندهای نظام‌مند را به منظور توسعه نظریه-ای داده‌بنیاد که به صورت قیاسی درباره یک پدیده حاصل شده به کار می‌گیرد (Strauss, 1990: 22). نظریه داده بنیاد روش‌شناسی نظام‌مند در حوزه علوم اجتماعی است که بر تولید نظریه از داده در فرایند اجرای پژوهش تاکید دارد (Yancey, 1986: 141).

۲. واکنش جامعه بین‌الملل در قبال تحولات سوریه

تلاش‌های زیادی از سوی جامعه بین‌الملل بر حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه صورت گرفته است که تا کنون موفقیت‌آمیز نبوده است. ایالات متحده، اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب تحریم‌های شدیدی را اعمال کردند و برای مسافرت، دارایی‌های مقامات سوریه و خرید نفت از سوریه محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است (Marsh, 2011).

علاوه بر این یکسری از طرح‌های مسالمت‌آمیز بین الملل بر توقف این جنایات نیز با شکست مواجه شده است. دولت سوریه در دسامبر ۲۰۱۱ طرح صلح ارائه شده از سوی اتحادیه عرب را امضاء کرد (THE WASHINGTON POST, March 14, 2012) و طی آن موافقت کرد که دولت اتحاد ملی را تشکیل دهد، انتخابات برگزار کند و به ناظران اتحادیه عرب اجازه ورود به کشور را بدهد (NEW YORK TIMES, Jan. 22, 2012). لیکن پس از ورود ناظران، خشونت‌ها همچنان ادامه یافت و این وضعیت باعث شد که اتحادیه عرب مأموریت خود را در مورخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲ به حالت تعلیق در آورد. علاوه بر این، با عدم موافقت دولت سوریه با قطعنامه ی اتحادیه عرب بر ایجاد کمیته مشترک اتحادیه عرب همکاری خود را با دولت سوریه موقتاً قطع کرد. در ۱۶ فوریه ۲۰۱۲ دبیر کل سازمان ملل «نقض سازمان یافته و گسترده حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط مقامات سوریه» را محکوم اعلام کرد و از دولت سوریه خواست که طرح‌های صلح اتحادیه عرب را به اجرا بگذارد. اتحادیه عرب و سازمان ملل در مارس ۲۰۱۲ با ازسرگیری مجدد همکاری‌های خود کوفی عنان را به عنوان فرستاده ویژه مشترک اتحادیه را به دولت سوریه ارائه کرد که مورد تایید کلیه اعضای شورای امنیت بود (THE WASHINGTON POST, March 14, 2012).

بشار اسد طرح کوفی عنان را مبنی بر عقب نشینی و آتش بس نیروهای نظامی در مناطق مسکونی پذیرفت. شورای امنیت در ۱۴ آوریل ۲۰۱۲ قطعنامه ی ۲۰۴۲ را تصویب کرد و از این آتش بس حمایت کرد. در این قطعنامه اجازه داده شد که ۳۰ ناظر غیرمسلح بر اجرای طرح کوفی عنان نظارت کنند. شورای امنیت یک هفته بعد قطعنامه ی ۲۰۴۳ را تصویب کرد که طی آن کمیته نظارت سازمان ملل در سوریه مستقر شود و در یک دوره زمانی ۹۰ روزه تعداد ناظران نظامی غیر مسلح به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت (S/RES/2043, April 21, 2012).

شورای امنیت نیز در کنار تلاش‌های جامعه بین‌الملل از تصویب ۳ قطعنامه مبنی بر مجوز اقدامات صلح جویانه برای پایان دادن در گیری‌های سوریه به دلیل مخالفت‌های روسیه و چین عاجز مانده است. روسیه و چین مخالف هر گونه اقدام مسلحانه علیه سوریه هستند. آنها ادعا می‌کنند که جامعه بین‌الملل باید به شیوه‌های مقرر در حقوق بین‌الملل پایبند باشند (NBC NEWS, Aug. 22, 2012). اولین قطعنامه در اکتبر ۲۰۱۱ دولت سوریه را به اعمال تحریم‌ها تهدید کرد در صورتی که فوراً اعمال خشونت بر غیرنظامیان را پایان ندهد قطعنامه دوم در فوریه ۲۰۱۲ از طرح صلح اتحادیه عرب

حمایت کرد و از بشار اسد خواست که از قدرت کناره گیری کند. روسیه و چین در جولای ۲۰۱۲ پیش نویس قطعنامه ارایه شده از سوی بریتانیا و مورد حمایت آمریکا، فرانسه و آلمان را وتو کردند. این قطعنامه از دولت سوریه می‌خواست که ظرف ده روز سلاح های خود را از مناطق پر جمعیت جمع آوری کند، در غیر این صورت تحریم- های شدیدتری علیه او اعمال خواهد شد.

۳. تبیین نظریه

یکی از موضوعات بسیار مهم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر که در پی آن پدیده تروریسم و مبارزه با آن به موضوعی جهانی تبدیل شد حق مداخله بشردوستانه بود، اینکه چه زمانی برای اقدام قهرآمیز یک دولت یا ائتلافی از دولتها برای حفاظت از مردمی که در دولتی دیگر در معرض خطر هستند مناسب است. بحرانهای ساخته دست بشر و شیوه مواجهه با آن ذهن متخصصان، سیاستمداران و دانشمندان روابط بین‌الملل را در دهه بعد از جنگ سرد به خود مشغول کرد.

مواردی که بحث مداخله بشردوستانه حول آن متمرکز شد و مداخله در آن مورد انجام شد یا صورت نگرفت به شرح زیر است:

- شکست مداخله بین‌المللی در سومالی (۱۹۹۳).
- پاسخ ناکافی به نسل کشی در رواندا (۱۹۹۴).
- ناتوانی مطلق نیروهای سازمان ملل به منظور جلوگیری از تصفیه قومی در سربرنیتسا در بوسنی (۱۹۹۵).
- مداخله ناتو بدون مجوز شورای امنیت در کوزوو در سال ۱۹۹۹.
- همچنین موارد دیگری مانند شمال عراق، لیبیا، هایتی، سیرالئون، و موقعیت‌های حاشیه‌ای تر مانند تیمور شرقی. بحران‌هایی مانند سومالی، بوسنی، رواندا و کوزوو طیفی از مسایل اخلاقی، حقوقی، سیاسی و عملیاتی را برانگیختند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴: 204-206).

جامعه بین‌المللی هیچکدام از موارد فوق را خوب و با اعتماد به نفس مدیریت نکرد. مداخله در سومالی، بوسنی و رواندا ناکافی و دیرهنگام بود، برداشت صحیحی از بحران وجود نداشت، تدارکات اندکی صورت گرفت و با عملکردی ضعیف به موقع اجرا گذاشته شد. برای مداخله نظامی در کوزوو شورای امنیت سازمان ملل دچار شکاف شد، توجیه قانونی مداخله بدون مجوز شورای امنیت مطرح شد اما عمدتاً مورد

بحث قرار نگرفت، توجیه اخلاقی و بشردوستانه مداخله که قابل ملاحظه بود تحت تاثیر این ادعا قرار گرفت که مداخله کشتار بیشتری به همراه داشته تا آنکه آن را کاهش دهد، و ابزارهایی که متحدین توسط آن جنگ را شروع کردند مورد انتقاد قرار گرفت (Evans, 2004: 78-79).

هر یک از موارد فوق به یک بحران بین‌المللی دامن زد که حول محور نقش و مسوولیت سازمان ملل و ماهیت و محدودیت‌های حاکمیت دولت دور میزد. اما در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم این منازعه حل نشده باقی ماند و اختلاف شدیدی بر سر این موضوع وجود دارد که آیا حق مداخله وجود دارد یا نه، و اگر پاسخ مثبت است چگونه و چه زمانی می‌توان و تحت اقتدار چه نهادی می‌توان آن را اعمال کرد.

دبیرکل سابق سازمان ملل، کوفی عنان یکی از چهره‌هایی است که تلاش کرد به این مبحث منطق و انسجام ببخشد. در پی ناخشنودی وی از عدم انسجام در پاسخگویی بین‌المللی به بحرانهای انسانی دهه ۱۹۹۰، وی در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ مجمع عمومی را با طرح این مبحث به چالش کشید که «اگر مداخله بشردوستانه در واقع یک تهاجم غیر قابل قبول به حاکمیت است، ما چگونه می‌توانیم به (بحران‌های) رواند، به سربرنسا، و به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که بر هر حکم اخلاقی انسانیت مشترک ما تاثیر می‌گذارد پاسخ دهیم؟» (Millennium Report, Sep.2000).

دبیر کل وقت سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ بیان کرد: «مطمئناً هیچ اصل قانونی - حتی حاکمیت - نمی‌تواند سرپوشی برای جنایت علیه بشریت باشد»

(Secretary-General speech to the 54th Session on the General Assembly, Sept. 20, 1999)

در پی درخواست دبیرکل و بحث‌های داغی که در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد مدافعان مداخله بر پایه حقوق بشردوستانه یا حقوق بشر و مخالفان حامی حاکمیت دولت به مناظره جدی پرداختند.

بحث‌های دانشگاهی هم چندان مفید نبودند، تحقیقات مختلف و مفصلی در سطح بین‌المللی در این باره انجام شده که مهمترین آنها عبارتند از مطالعه انجام شده توسط دولت دانمارک توسط اتاق فکر دی یو پی آی (DUPI) مطالعه دولت هلند توسط شورای مشورتی آن در امور بین‌الملل و مطالعه انجام شده توسط دولت سوئد توسط کمیسیون بین‌المللی آن در ارتباط با کزوو که توسط ریچارد گلدستون (Richard

(Goldstone) و کارل تام (Carl Tham) مدیریت میشد، اما موضوع مشترک همه این مطالعات تلاش برای ترسیم تمایز بین مداخلات «قانونی» و «مشروع» است. هر چند که به لحاظ روشنفکرانه آرامش بخش به نظر میرسد اما این رده‌بندی در مقام عمل به تصمیم‌سازان سیاسی کمک زیادی نمیکند که چه کاری انجام دهند (Evans, 2004: 79).

ایده مسوولیت حمایت در سال ۲۰۰۱ برای اولین بار در گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت (ICISS) مطرح گردید و در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران توسط مجمع عمومی به طور رسمی پذیرفته شد. نظریه مسوولیت حمایت علاوه بر مورد تاکید قرار گرفتن در اظهارات دبیر کل سازمان ملل، بان کی‌مون، در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۲، در سال ۲۰۰۶ توسط قطعنامه‌های ۱۶۷۴ و ۱۷۰۶ شورای امنیت نیز مورد تاکید قرار گرفت. بند «حفاظت» در «اعلامیه هزاره» نیز این مفهوم را مورد توجه قرار داده است.

با نگاه به تجارب گذشته، نظریه مسوولیت حمایت در صورت بدون نتیجه ماندن اقدامات صلح آمیز و به بن بست رسیدن شورای امنیت در اتخاذ تصمیم در مواجهه با وضعیت‌های نقض فاحش، گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت یا تجاوز اقدام نظامی یا اقدام کم‌شدت نظامی مانند ایجاد منطقه پرواز ممنوع یا مناطق امن را با هدف محافظت از مردم غیر نظامی در قالب رکن سوم نظریه مسوولیت حمایت و بدون مجوز شورای امنیت مجاز میدانند.

در پی تحولات پس از جنگ سرد، مفهوم حاکمیت دچار تحول شده و از مزیت اعمال انحصاری اقتدار به بیان ایوانز به «حاکمیت بعنوان مسوولیت» تغییر پیدا کرده است. این چرخش دارای اهمیت سه بعدی است:

- این ایده را به طور ضمنی در خود دارد که مسئولین دولتی مسوول عملکردهای مربوط به حفاظت از امنیت و زندگی شهروندان و ارتقاء رفاه آنها هستند.
 - این پیشنهاد را مطرح میکند که مسئولین سیاسی ملی مسئول شهروندان خود در داخل و مسئول در برابر جامعه بین‌المللی از مجرای سازمان ملل هستند.
 - معنی بند بالا این است که ماموران دولتی مسئول اقدامات خود هستند، به عبارتی مسئول اعمالی ارتكابی و ترک فعل خود هستند.
- مسئله اندیشه درباره حاکمیت در ارتباط با ابعاد فوق به واسطه دلایلی مانند تاثیر فزاینده هنجارهای حقوق بشر جهان‌شمول و تاثیر فزاینده در گفتمان بین‌المللی

مفهوم امنیت انسانی تقویت شده است. حاکمیت به عنوان مسئولیت به طور فزاینده‌ای در رویه دولتها پذیرفته شده است.

پذیرش معیارهای جدید عمل برای دولتها در حمایت و پیشبرد حقوق بشر بین-المللی یکی از دستاوردهای عمده پس از جنگ دوم جهانی بوده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین دستورکار حقوق بشر بین‌المللی را ترسیم کرده، معیاری برای عمل دولت تعیین میکنند و الهام بخش بسیاری از کنوانسیونهای بین-المللی و قوانین ملی بوده و به ایجاد زیرساختهای ملی به منظور حفاظت و ارتقاء حقوق بشر انجامیده است. همراه با همه اینها تحول تدریجی از فرهنگ مصونیت حاکمیت به فرهنگ پاسخگویی ملی و بین‌المللی است که به همراه هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی و ابزارهایی که بعنوان معیار قضاوت عملکرد دولت به کار می‌رود بوده است (Evans, 2004:82).

مسئولیت حمایت مجموعه‌ای از اصولی است که دولتها و جامعه بین‌المللی را متعهد میکند که از مردم اعم از اتباع خود و اتباع سایر کشورها در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، تصفیه قومی و جنایت علیه بشریت حفاظت کنند، بعبارتی حاکمیت مسوولیت اولیه حفاظت شهروندان در برابر جنایات خشن را بر عهده دارد (رکن اول مسوولیت حمایت) و در مواردی که دولت نمیتواند یا نمیخواهد از ارتکاب جنایت جلوگیری کند وظیفه جامعه بین‌المللی است که ابتدا از طریق شیوه‌های صلح آمیز مانند دیپلماسی و تحریم دولت مذکور را تحت فشار قرار دهند تا به تعهدات بین‌المللی خود عمل کند (رکن دوم مسوولیت حمایت) و در صورت عدم موفقیت این تلاشها بعنوان «آخرین چاره» به زور (نیروی نظامی) متوسل شوند (رکن سوم مسوولیت حمایت). مسوولیت حمایت ریشه در حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی دارد که در تعارض با دریافتهای سنتی از امنیت است که به طور تفکیک ناپذیری به اصول حاکمیت دولت و عدم مداخله مربوط است (http://www.globalr2p.org/about_r2p).

۴.۱ اعمال دکترین مسوولیت حمایت در وضعیت سوریه

هدف اصلی از دکترین مسوولیت حمایت، پیشگیری از جرایم ضدانسانی جمعی در داخل یک کشور بحران‌زده مانند سوریه است تا از آن چیزی که در بوسنی، رواندا یا دارفور رخ داده است جلوگیری شود. از این منظر دکترین مسوولیت حمایت، چارچوبی را در اختیار جامعه بین‌المللی قرار می‌دهد که به استناد آن می‌توان به وقوع جرایم

خشونت آمیز واکنش نشان داد، زمانی که راه کار معمول یعنی دخالت نظامی از طریق مجوز شورای امنیت به بن بست رسیده باشد. دکتترین مسئولیت حمایت در اولین مرحله از جامعه بین المللی می خواهد که به دولت های تحت تاثیر کمک شود تا از وقوع جرایم خشونت آمیز جلوگیری کند. در صورتی که جلوگیری از وقوع جرایم ممکن نباشد، جامعه بین الملل باید تلاش کند که از طریق ابزارهای مسالمت جویانه وقوع جرایم خشونت آمیز را متوقف سازد. اگر اقدامات مسالمت جویانه برای جلوگیری از جرایم کفایت نکند، جامعه بین الملل به عنوان بدیلی برای شورای امنیت ممکن است مجوز توسل به زور را به عنوان آخرین گزینه صادر کند.

یک گزینه مداخله نظامی قانونی در سوریه از طریق شورای امنیت است. فصل ۷ منشور سازمان ملل به شورای امنیت اجازه می دهد که بنام تهدید صلح و امنیت بین الملل دست به اقدام بزند لذا در مرحله ی اول شورای امنیت باید وجود عامل «تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» را احراز کند. شورای امنیت ممکن است از طرفین درگیری بخواهد که مخاصمات را پایان دهند و نیروهای خود را به عقب بکشند، اجازه حضور ناظران را بدهند یا برای تسهیل کمک های بشر دوستانه مساعدت کنند، ممکن است شورای امنیت در تصمیم خود ضمانت اجراءهایی را قرار دهد که عدم تبعیت طرفین از درخواست شورای امنیت بتواند اعمال اقدامات بعدی را توجیه کند.

شورای امنیت براساس ماده ۴۱ منشور ممکن است اقدامات غیر نظامی از جمله تحریم های اقتصادی و دیپلماتیک را دنبال کند اگر اقدامات مصرح در ماده ۴۱ منشور «ناکافی باشد یا اثبات شود که ناکافی است» شورای امنیت می تواند در صورت ضرورت چنین تحریم هایی را از طریق هوا، دریا، زمین اعمال کند تا اینکه نظم و امنیت بین المللی براساس ماده ۴۲ منشور اعاده شود. در حالی که شورای امنیت می تواند مجوز توسل به نیروی نظامی را در سوریه به استناد فصل ۷ منشور صادر کند.

مسئولیت حمایت چارچوبی به جامعه بین المللی ارایه کرده است که با توسل به آن می توان گزینه مداخله نظامی را به عنوان آخرین راه کار تجویز کرد. حامیان غربی نظریه مسوولیت حمایت ادعا می کنند مسئولیت حمایت برخلاف تئوری های مداخله بشر دوستانه دارای ضمانت اجرای نظری و عملی است که دولت ها را از سوء استفاده از این دکتترین باز می دارد. الزام اتخاذ اقدامات صلح جویانه قبل از توسل به زور، ارایه شواهد عینی از وقوع مستمر جرایم خشونت آمیز و ایجاد محدودیت های لازم برای اطمینان از حربه توسل به زور به میزان ضرورت برای رفع جریان خشونت آمیز و

همین طور حمایت از غیر نظامیان از جمله این ضمانت اجراها است. از این منظر مداخله نظامی در صورتی امکان پذیر است که کلیه این معیارها و الزامات از طریق قانونی صورت گرفته باشد اما تجربه لیبی نشان داد که این نظریه به راحتی میتواند دستاویز مداخله نظامی یکجانبه قدرت‌های جهانی برای تامین منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونمیک تحت عناوین بشردوستانه باشد.

۵. دلایل عینی بر وقوع جرایم خشونت آمیز

برای ایجاد حق جامعه بین‌المللی بر مداخله نظامی بدون مجوز شورای امنیت براساس موازین مسئولیت حمایت لازم که بر حسب ظواهر امر وقوع جرایم خشونت آمیز اثبات شده باشد. چراکه براساس آموزه‌های حقوق بین‌الملل باید حتی‌الامکان از توسل به زور پرهیز شود. توسل به زور بدون مجوز شورای امنیت با نگرانی‌هایی همراه است. یکی از این نگرانی‌ها نقض حاکمیت دولت مخاطب و دخالت نظامی است. اثبات وقوع جرایم خشونت آمیز بخشی از این نگرانی را برطرف می‌سازد مشروط به اینکه جامعه بین‌الملل نیز دلایل موید وقوع این جرایم را تایید کند (Ford, 2010).

جرایم علیه بشریت یکی از جرایم معمول خشونت آمیز است که ممکن است در شرایط صلح یا در طول درگیری‌های مسلحانه رخ دهد. به موجب اساسنامه دیوان جرایم علیه بشریت با انجام یکی از اعمال لیست شده در ماده (۱) ۷ اساسنامه صورت می‌گیرد مشروط به اینکه نسبت به جمعیت غیر نظامی به صورت گسترده و سازمان یافته رخ دهد. اعمال خاصی که موجب این اتهام است و در وضعیت سوریه مشهود است شامل؛ (۱) قتل، (۲) حبس یا دیگر اشکال محرومیت‌های شدید از آزادی فیزیکی در نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل (۳) شکنجه، (۴) تعقیب یا آزار هر گروه یا مجموعه مشخص به جهات سیاسی (۵) دیگر اعمال غیرانسانی عمدی منجر به صدمه یا آسیب شدید بدنی، روحی و روانی (ر.ک. ماده (۱) ۷ اساسنامه).

جرایم علیه بشریت به طور معمول در برگیرنده عناصر مادی جرم است که در ساده‌ترین شکل یعنی عناصر گستردگی و سازمان‌یافتگی حملات علیه جمعیت غیرنظامی در ماده (۱) ۷ اساسنامه آورده شده است. این نوع از جرایم در عین حال واجد عناصر معنوی خاص به خود است که در عمل دربرگیرنده قصد ارتکاب جرم و علم به نتایج حاصل از انجام جرم ارتكابی است (Evans, 2010).

جرایم جنگی برخلاف جرایم علیه بشریت تنها در طول درگیری های مسلحانه رخ می دهد. بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه، اعمال تشکیل دهنده جرایم جنگی با توجه به وصف بین المللی یا غیر بین المللی بودن متفاوت هستند. کمیته بین المللی صلیب سرخ در جولای ۲۰۱۲ اعلام کرده است که درگیری های سوریه از نوع جنگ داخلی یعنی درگیری مسلحانه غیر بین المللی است.

۶. فعالیت جرایم خشونت آمیز در سوریه

اظهارات دال بر وقوع جرایمی از جمله؛ قتل، شکنجه و دیگر رفتارهای خشونت آمیز علیه غیر نظامیان سوری که از سوی سازمان های مستقل حاکی از فعالیت جرایم خشونت آمیز است. گزارش دیده بان حقوق بشر به مستنداتی از سوء استفاده های حقوق بشری در سوریه اشاره می کند که حاکی از وقوع جرایم جنگی است. وجود چنین مستنداتی نشان می دهد که فعالیت وقوع جرایم خشونت آمیز در قضیه سوریه به عنوان لازمه مسؤلیت حمایت قطعی است (Human Rights Watch, *They Burned My Heart* (May. 3, 2012)

۷. لزوم شکست اقدامات صلح آمیز

چارچوب مسؤلیت حمایت ابتدا تلاش می کند که جامعه بین المللی به دولت برای جلوگیری از وقوع جرایم خشونت آمیز در قلمرو خویش کمک کند. در صورتی که این انتظار تحقق نیابد، آن گاه از جامعه بین الملل خواسته می شود که با توسل به ابزارهای مسالمت آمیز از وقوع جرایم خشونت آمیز جلوگیری کند. چنانچه توسل به ابزارهای مسالمت آمیز برای جلوگیری از وقوع جرایم خشونت آمیز کفایت نکند ممکن است جامعه بین الملل به عنوان آخرین راه کار مجوز توسل به زور را صادر کند. در این چهارچوب باید کشورهای هم اندیش بسیار محتاطانه عمل کنند و منافع ملی دولت و مردم سوریه را مد نظر قرار دهند چراکه تجربه عملکرد قدرتهای غربی در عراق و لیبی نشان میدهد که گزینه نظامی که منجر به فروپاشی قدرت مرکزی نظم دهنده در کشور شود به آشوب، ناامنی و ظهور گروه های تروریستی و گریز از مرکز منجر شود و میتواند تبعات سیاسی و امنیتی متعدد و غیرقابل پیشی بینی و کنترلی برای مردم کشور مورد مداخله داشته باشد.

۸. نقدهای وارد بر نظریه

در حالی که برخی کارشناسان حقوقی مدافع نظریه به دلیل ملاحظات سیاسی-امنیتی ناشی از منافع ملی کشورها مسوولیت حمایت را « موفق روی کاغذ و بی ارزش در عمل» می‌دانند (Van Der Laan, 2012:3)، عده‌ای از منتقدین نظریه با تردید این سوال را مورد توجه قرار می‌دهند که « مسوولیت حمایت یک هنجار حقوقی است یا یک ابزار سیاست قدرت». دسته دوم بر این باورند که بحران لیبی و تغییر رژیم در آن کشور امکان حمایت بین‌المللی از مسوولیت حمایت را در سوریه کم کرده است، این نگاه منتقدانه با این استدلال همراه است که در لیبی نظریه مسوولیت حمایت اجرا نشد بلکه از شورش‌ها با هدف تغییر رژیم حمایت بعمل آمد (Findlay, 2011:2).

تجربه بحران لیبی و مداخله بشر دوستانه در آن کشور که با تفسیر موسع از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت (2011) انجام گرفت نشان داد که نظریه مداخله بشر دوستانه و در شکل تکامل یافته‌تر آن یعنی مسوولیت حمایت میتواند مورد سوء استفاده قدرتهای بزرگ برای تامین منافع محدود سیاسی، تامین اهداف ژئوپلیتیک و تغییر رژیم قرار بگیرد. تجربه لیبی به طور موثری از سرعت توسعه هنجار مداخله بشر دوستانه و نظریه مسوولیت حمایت کاست.

پیش از آن نیز مواردی از مداخله بشر دوستانه قهری وجود داشت که واکنش منفی جامعه بین‌المللی را در برداشت. در پی مداخله ایالات متحده در پاناما، جامعه بین‌المللی توجیهات امریکا را مبنی بر مداخله برای اعاده مشروعیت رد کرد و مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۴۴/۲۴۰ مورخه ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ با اشاره به نقض وقیحانه حقوق بین‌الملل، استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها امریکا را محکوم کرد. نظریه مسوولیت حمایت با نقدهای جدی نیز مواجه بوده است، اینکه بجای تاکید بر اصلاح ساختار شورای امنیت و مجمع عمومی در صدد نادیده گرفتن سازمان ملل بواسطه وجود برخی نقایص در فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی سازمان است، همچنین نظریه به دلخواهانه بودن، امکان وجود سوء استفاده قدرت‌های بزرگ علیه کشورهای ضعیف، نادیده گرفتن ظرفیت مجمع عمومی در حل بحرانهای بین‌المللی مانند آنچه در مورد قطعنامه اتحاد برای صلح برای مواجهه با بحران کره انجام شد (قطعنامه 377A) متهم شده است.

بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جولای ۲۰۱۲، در حالی که به واسطه شدت خشونت‌ها و سطح سازمانی طرف‌های منازعه، مخاصمات در سوریه به ابعاد منازعه مسلحانه غیر بین‌المللی یا جنگ داخلی رسیده است و حقوق بشر-

دوستانه ناظر بر این مخصصات بر آن حاکم است، از این رو ارزیابی قانونی بودن مداخله بشردوستانه در سوریه برای دفاع از شهروندان غیر نظامی و جلوگیری از نقض فاحش، گسترده و سیستماتیک حقوق بشر توسط طرفهای منازعه در چهارچوب حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی قابل بررسی است، اما پاسخ حقوقی به این بحران مستلزم بررسی این موضوع است که آیا نقض حقوق بشر در سوریه به سطح جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت رسیده است یا نه و آیا مداخله بشردوستانه ابزای موثر و اخلاقی برای اعمال حقوق بشر است.

۹. نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل در رابطه با توسل به زور برای اهداف بشر دوستانه هنوز در حال تکامل است. این شرایط باعث شده است که حقوق بین‌الملل نتواند با قاطعیت در رابطه با گزینه توسل به زور برای اهداف بشر دوستانه اظهار نظر کند. لیکن با این وجود ظهور نظریه «مسئولیت حمایت» تلاش کرده است که با ارایه ضوابطی به این تردید پایان دهد. لیکن تئوری مسؤلیت حمایت توسل به گزینه زور برای اهداف بشر دوستانه را مشروط به بایسته‌هایی کرده است که باید قبل از صدور مجوز تحقق یافته باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مداخله نظامی در سوریه و تجهیز مخالفان دولت خلاف اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط دوستانه و دیگر اسناد معتبر بین‌المللی است که آموزه‌های آنها امروزه به‌خوبی در حقوق بین‌الملل عرفی نیز رسوخ کرده‌اند. لذا توسل به زور جز با مجوز شورای امنیت سازمان ملل یا با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد در مبحث دفاع مشروع فاقد وجهت قانونی در حقوق بین‌الملل معاصر است و پافشاری بر لزوم مداخله بدون مجوز شورای امنیت نظام بین‌المللی را به نظم حقوقی پیش از تصویب منشور باز می‌گرداند. مداخله بشردوستانه بدون مجوز شورای امنیت دارای پیامدهای امنیتی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی منفی زیادی خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه و ضعیف است که طرفداران نظریه قادر به پاسخگویی مناسب به آن نیستند.

منابع

حاجی‌یوسفی، میرمحمد (۱۳۸۸). آموزش، پژوهش و تولید دانش سیاسی در کانادا، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.

علی غلامعلی پور و علی ایلخانی پور ۱۴۷

دیدخت، صادقی (۱۳۹۲) مسئولیت بین‌المللی حمایت و حاکمیت دولتها، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۲.

سید قاسم، زمانی، سورنا، جایگاه دکترین مسوولیت حمایت در بحران سوریه، زمانیان، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.

محمد تقی، رضایی، علی، ایلخانی پور، سهیلا، کوشا، علی، غلامعلی پور (۱۳۹۴)، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ششم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۴.

موسی، پاشا بنیاد، نسیرین، مصفا، کاربرد دکترین مسوولیت به حمایت در حقوق بین‌الملل: پاسخ به حوادث، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶.

Findlay, Martha Hall (2011). Can R2P Survive Libya and Syria. Strategic Studies Working Group Papers, Canadian Defense and Foreign Affairs Institute. Retrieved from <http://www.cdfai.org/PDF/Can%20R2P%20Survive%20Libya%20and%20Syria.pdf>, Accessed: 9/21/2014 6:31.

Pogany, Istvan (1986). Humanitarian Intervention in International Law: The French Intervention in Syria Re-Examined. The International and Comparative Law Quarterly, 35(1) pp. 182-190. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/759100> . Accessed: 22/01/2014 12:17.

William, Paul R., Ulbrick, J. Trevor & Worboys, Jonathan (2012). Preventing Mass Atrocity Crimes: The Responsibility to Protect and the Syria Crisis. Case Western Reserve Journal of International Law, Vol. 45, Fall 2012. American University, WCL Research, pp. 2012-45.

Evans, Gareth (2004). The Responsibility to Protect: Rethinking Humanitarian Intervention. Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law), published by American Society of International Law, Vol. 98, pp. 78-89. Retrieved From <http://www.jstor.org/stable/25659900> . Accessed: 22/01/2014 12:36.

Haddad, Bassam (2005). Syria's Curious Dilemma. Middle East Report, Middle East Research and Information Project (MERIP), No. 236 , pp. 4-13. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/30042456> . Accessed: 22/01/2014 12:26.

Hannon, Elayne and Russell, Hannah (2013). From Peaceful Demonstrations to Armed Conflict: Considering Humanitarian Intervention in the Case of Syria. Al-Marsad – Arab Human Rights Centre in Golan Heights, Retrieved from www.golan-marsad.org.

- Okhovat, Sahar (2011). The United Nations Security Council: Its Veto Power and Its Reform. CPACS Working Paper No. 15, The Centre for Peace and Conflict Studies, The University of Sydney. Retrieved from <http://www.arts.usyd.edu.au/centres/cpacs>.
- Verity, Adams, Jessop, Louise(2013). The Legality of Interventions of a Humanitarian Nature with a Special Focus on the Libyan Intervention, Durham theses, Durham University. Retrieved from Durham
- Gierycz, Dorota (2010). From Humanitarian Intervention (HI) to Responsibility to Protect (R2P). *Criminal Justice Ethics*, 29(2), pp. 110-128. Retrieved from <http://www.jmu.edu/mwa/docs/2011/kazickas.pdf>, Accessed 9/21/2014 6:56.
- Massingham, Eve (2009). Military Intervention for Humanitarian Purposes: Does the Responsibility to Protect Doctrine Advance the Legality of the Use of Force for Humanitarian Ends?. *International Review of Red Cross*, 91(871).
- Anselm L.,Strauss, Juliet M., Corbin (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Newbury Park, CA: Sage.
- Bellamy, Alex J. (2008). The Responsibility to Protect and the Problem of Military Intervention. *International Affairs*, (Royal Institute of International Affairs 1944-), 84(4), pp. 615-639, Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/25144868> . Accessed: 22/01/2014 12:35.
- Blanchard, Christopher M. (2013). Possible U.S. Intervention in Syria: Issues for Congress, Congressional Research Service 7-5700, Retrieved from www.crs.gov R43201.
- Dunne, Tim, Bellamy, Alex(2013). R2P Ideas in brief, Asia Pacific Center for the Responsibility to Protect, 3 (5).
- Faheem, Kareem(2012). Arab League Floats Ambitious New Peace Plan for Syria, *NEW YORK TIMES*, Jan. 22, available at <http://www.nytimes.com/2012/01/23/world/middleeast/arab-league-floats-new-peace-plan-forsyria.html>.
- Findlay, Trevor (2002).*The Use of Force in UN Peace Operations*, Oxford University Press. Retrieved from <http://books.sipri.org/files/books/SIPRI02Findlay.pdf>
- Ian Brownlie, *Humanitarian Intervention, in Law and Civil War in Modern World* (J.N. Moore ed., 1974).

- Marsh, Katherine(2011). Syria Sanctions Declared as Violent Crackdown Continues, THE GUARDIAN, May 6, available at <http://www.guardian.co.uk/world/2011/may/06/syria-sanctions-crackdown-eu>.
- Murray, Robert W. (2014). Rationality and R2P: Unfriendly Bedfellows. E-International Relations (Bristol, UK), Retrieved from www.E-IR.info.
- Nanda, Ved P., The Future Under International Law of the Responsibility to Protect After Libya and Syria, Michigan State, International Law Review, 21(1).
- Onyango, J. Oloka(1999). Heretical Reflections On the Right to Self-Determination: Prospects and Problems for a Democratic Global Future in the New Millenium. American University International Law Review, 15(1).pp. 151-208.
- Orban, Krisztina Huszti and Mueller, Natia Kalandarishvili(2012). Is it a bird? Is it a plane? Is it an armed conflict?: The classification of the situation in Syria. 1 Journal of International Law, 2012 Forthcoming. Retrieved from SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2045696>.
- Patricia, Yancey, Martin, Barry, A., Turner (1986). Grounded Theory and Organizational Research. The Journal of Applied Behavioral Science, Vol. 22, No. (2).
- Paul Harris, Martin Chulov, David Batty, and Damien Pearse,(2012). Syrian Resolution Vetoed by Russia and China at United Nations, THE GUARDIAN.
- Rao, Neomi(2013). The Choice to Protect: Rethinking Responsibility for Humanitarian Intervention. George Mason University School of Law, Columbia Human Rights Law Review, 44(3), pp. 697-751.
- Russia and China veto UN resolution against Syrian regime, THE GUARDIAN, October 4, 2011, available at <http://www.guardian.co.uk/world/2011/oct/05/russia-china-veto-syria-resolution>.
- Russia, China Veto Syria Resolution at U.N., THE WALL STREET JOURNAL, July 19, 2012, available at <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-18233934>.
- Schmitt, Charles H. (2013). Legitimacy versus Legality Redux: Arming the Syrian Rebels. 7 Journal of National Security Law and Policy, pp. 139-159. Retrieved from SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2308844>.
- Syria crisis: Number of refugees rises to 200,000, BBC, Aug. 24, 2012.

- Syria crisis: Russia warns Obama against 'violation' of international law, NBC NEWS, Aug. 22, 2012.
- Syria in Civil War Red Cross says, BBC, Jul. 15, 2012, available at <http://www.bbc.co.uk/news/world-middleeast-18849362>.
- Syria Rejects New Arab League Peace Mission Proposal, BBC, Feb. 13, 2012.
- Syrian Uprising: A Year in Turmoil, THE WASHINGTON POST, March 14, 2012.
- Taulbee, James Larry (2001). Governing the Use of Force: Does the UN Charter Matter Anymore?. *Civil Wars*, 4:(2), 1-58. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1080/13698240108402468>.
- Travis, Hannibal(2012). War Gaming the "Arab Spring": Predicting Likely Outcomes and Planning U.N. Responses. *Cornell International Law Journal*, Vol. 45, Florida International University Legal Studies Research Paper No. 12-07. Retrieved from SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2062578>.
- Weiss, Michael(2011). intervention in Syria? An assessment of legality, logistics and Hazards, A Henry Jackson Society Strategic Briefing.
- Xia, Lucie Qian, The Syrian Crisis and the Responsibility to Protect: A Chinese Perspective. Research Associate, EU-Asia Centre.
- Xing, Qu (2012). The UN Charter, the Responsibility to Protect, and the Syria Issue. Retrieved from http://www.ciis.org.cn/english/2012-04/16/content_4943041.htm
- S.C./6659, 26 March 1999.
- S.C.Res/1160, 31 March 1998.
- S.C.Res/1199, 23 September 1998.
- S.C.Res/1203, 24 October 1998.
- S.C/Res/1674, 2006.
- U. N. Doc. A/1775, 3 Nov 1950.
- U.N. Doc. A/HCR/21/50 , 16 Aug 2012.
- U.N. Doc. A/Res/66/253, 21 Feb 2012.
- U.N.Doc. A/63/67, 12 Jan 2009.
- <http://www.responsibilitytoprotect.org>
- <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-18233934>.